

چکیده

چگونگی نقش آفرینی ارزش‌های اسلامی بر فعالیت‌های مدیریتی در سطوح مختلف، از جمله فعالیت‌های بااهمیت برای تدوین دانش مدیریت اسلامی. ارزش‌های اسلامی مشتمل بر اصول عقاید و باورها، ارزش‌های اخلاقی و احکام فقهی است که در این مقاله ما درصدد بکارگیری قواعد فقهی (که در زمره اصول فقه اسلام می‌باشد) برای تعیین خطوط راهنمای بایدی و نیایدی هدایتگر برای برنامه‌ریزی و فعالیت‌های مدیریتی برای تحقق برنامه‌ها است.

هدف این مقاله نشان دادن چگونگی به‌کارگیری قواعد فقهی برای استفاده در فعالیت‌های مدیریتی است و از بین قواعد فقهی فراوانی که در منابع ذی‌ربط وجود دارد، در این مقاله به تبیین و معرفی مصادیق ۸ قاعده فقهی در فعالیت‌های اصلی برای فرایند برنامه‌ریزی راهبردی و فراهم کردن مقدمات پیاده‌سازی و اجرای آنها پرداخته‌ایم.

قواعد فقهی مورد بهره‌گیری در این مقاله عبارت‌اند از ۱- قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام ۲- قاعده الصحه ۳- قاعده لا حرج ۴- قاعده لزوم در عقود ۵- قاعده عدالت ۶- قاعده اهم و فی‌الاهم ۷- قاعده حفظ نظام اسلامی ۸- قاعده تولى و تبرى. فعالیت‌های مدیریتی که مصادیق کاربرد در هر یک از قواعد فوق در تحقق آنها مورد توجه قرار گرفته است عبارت‌اند از برنامه‌ریزی مشتمل بر اجرای فرایندی چون: ارزشی چون ارزش اساسی، ترسیم چشم‌انداز آرمانی و مطلوب، تدوین رسالت و اهداف عالی، تدوین سیاست‌های ارزیابی قوتها و ضعفها، ارزیابی فرصتها و تهدیدات محیطی، انتخاب استراتژیها و طراحی برنامه‌ها و اقدامات اولویت‌دار برای تحقق راهبردها. مقدمات پیاده‌سازی اجرا مشتمل بر: پیاده‌سازی، هدایت و رهبری، نظارت و ارزیابی، این هشت قاعده برای این فعالیت‌های مدیریتی بطور نمونه ارائه شده در حالیکه هدف ما چگونگی کاربرد قواعد فقهی در فعالیت‌های مدیریتی بود.

کلیدواژه:

قواعد فقهی، برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت، روش‌شناسی

مقدمه

فقه در لغت معادل فهم و دانایی است [۱] و در قرآن کریم به دو معنی «مطلق فهم» و «بصیرت در دین» به کار رفته است [۲]. در معنی اول از آیات به شرح زیر می‌توان یاد کرد.

- ... أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (انعام / ۶۵)
- ... قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (انعام / ۹۸)
- ... وَ أَحَلَّلَ عَقْدَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه / ۲۸ و ۲۷)
- ... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا... (اعراف/ بخشی از آیه ۱۷)

در معنی دوم از آیات در اصول یا فروع دین به شرح زیر می‌توان یاد کرد:

- ... فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (النسا / ۷۸)
- قَلَّوْ لَا تَفْرَمِنْ كُلِّ فَرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا

چگونگی احصای قواعد فقهی برای دستیابی به بخشی از باید و نبایدهای مدیریتی در سطح سازمان (حوزه مطالعه موردی: وظایف برنامه‌ریزی راهبردی)

دکتر علیرضا علی احمدی (نویسنده مسئول)

استاد دانشکده مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم
و صنعت ایران

دکتر عطاءالله رفیعی آتایی

استادیار دانشگاه علم و صنعت

مصطفی امین منصور

دانشجوی دانشکده مهندسی پیشرفت



قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون. چرا از هر گروهی یک دسته کوچ نمی‌کنند تا در امر دین بصیرت کامل پیدا کنند و پس از بازگشتن، مردم خود را اعلام خطر نمایند، باشد که از ناشایستها حذر نمایند (توبه / ۱۲۲)

همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایات نیز آمده است:

امام صادق (ع): «اذا ارادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ» هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد او را در دین، آگاه می‌کند [۴]. بنابراین «فقه» در لسان قرآن کریم و روایات، مفهومی گسترده دارد و عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستوره‌های اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد.

۱ تاریخچه قواعد فقهی

روش کل‌نگری در احکام و فقهات، ریشه در قرآن و سنت نبوی دارد. از آغاز، مسلمانان دریافته بودند که برخی آیات و احادیث پیامبر (ص) آن‌چنان جامع است که می‌تواند مصادیق و موارد متعددی را پوشش دهد، آیاتی از قبیل: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج / بخشی از آیه ۷۸) «اوفوا بالعقود» (مائده / بخشی از آیه ۱) و ... یکی از امتیازات پیامبر اکرم (ص) بر سایر پیامبران این است که خداوند به آن حضرت «جوامع الکلم» را عنایت فرمود که در میان آن جوامع، قواعد فقهی متعددی به چشم می‌خورد، مانند «الاسلام یجب ما قبله» [۳]، «الدین مقضی» [۴]، «الخراج بالضمن» [۴] و ...

امام صادق (ع) فرمود: انما علینا ان نلقى الیکم الاصول و علیکم ان تفرعوا بر عهده ما است که اصول را به سوی شما القا کنیم و وظیفه شما است که [بر آن اصول] تفریع کنید [۵].

در مقابل شیوه اجتهادی شیعیان، شیوه «قیاس و رای» وجود داشت. پیروان روش قیاس بر این باور بودند که آیات و روایات با توجه به گستردگی حوادث جهان و محدودیت نصوص، توانایی پاسخ‌گویی مشکلات جدید را ندارند، از این رو برای رفع این نقیصه به قیاس و سایر منابع اجتهاد، در عرض کتاب و سنت، روی آوردند. این درحالی بود که مکتب اهل بیت (ع) با اصرار فراوان بر این‌که دین الهی ناقص نیست و هر آنچه بشر بدان محتاج است در آیات و روایات وجود دارد، هرگونه منابع ساختگی را مردود شمردند. امام صادق (ع) فرمود: "ما من شیء الا و فیه کتاب او سنه" [۶]؛ هیچ مسئله‌ای نیست جز آن که در آن مورد آیه یا حدیثی وجود دارد.

قواعد فقهی پس از عصر معصومین (ع) وارد مرحله دیگری شد، زیرا با آغاز غیبت کبرا فقهای شیعه احساس نیاز بیشتری به اجتهاد و یافتن احکام حوادث جدید که غیر منصوص بودند، پیدا کردند، بر همین اساس کلیات که در احادیث وجود داشت، منبع سرشاری برای برآورد این نیاز، تلقی شد،

قواعد فقهی دارای جنبه‌های گوناگونی است، یکی از جنبه‌های آن نکات فنی است که مربوط به حدود قاعده تعارض و تنافی قاعده با سایر قواعد و... می‌شود. گام‌های اولیه چنین بررسی‌هایی از شیخ مفید آغاز شد و شیخ طوسی آن را گسترش و تعمیق داد. ابن ادریس با وارد ساختن عنصر عرف در فهم و تبیین قاعده فقهی و نیز تأکید بر عقل‌گرایی در تأسیس قاعده فقهی، بررسی‌های فنی قاعده را تکامل بخشید.

در ابتدا تدوین‌ها تحت عنوان اشباه و نظایر بود ولی بعدها عنوان قواعد بر آن اطلاق شد؛ استخراج قاعده از راه‌های مختلفی



امکان‌پذیر است ولی یکی از شیوه‌های معمول آن استقرار یافتن موارد مشابهی است که می‌تواند حاکی از نوعی وحدت در حکم باشد. روشی که در این مقاله نیز مورد بهره‌گیری قرار گرفته است در آغاز قواعد فقهی به همین شیوه تدوین شد؛ یعنی یافتن موارد و مصادیق مشابه و یکسان در حکم، براین اساس کتاب‌هایی که تحت عنوان «الاشباه و النظائر» نوشته شده را می‌توان قواعد فقهی و یا دست‌کم روش‌شناسی قواعد فقهی محسوب کرد. اولین کتاب شیعه در این زمینه، کتاب «نزه الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر» نوشته نجیب‌الدین یحیی بن سعید الهذلی الحلی (متوفای ۶۹۰ ق) است. ابن سعید حلی که پسرعموی محقق حلی و شاگرد او و یکی از مشایخ علامه حلی است، کتاب خویش را در ۷۷ فصل تنظیم نمود. این کتاب علی‌رغم حجم کم، از جامعیت خوبی برخوردار است و مطالب مشابه را از طهارت تا دیات در بردارد. پس از او علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ق) کتاب «قواعد الاحکام» را به رشته تحریر درآورد. پس از علامه، شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ ق) کتاب «القواعد و الفوائد» را که از همه کتب گذشته قواعد در شیعه جامع‌تر و علمی‌تر بود به نگارش درآورد. چون در برخی موارد «القواعد» از نظم برخوردار نبود، فاضل مقداد، شاگرد شهید، قواعد شهید را تنظیم کرد و تحت عنوان «نضد القواعد» به رشته تحریر درآورد. شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ ق) در تداوم حرکت فقهی شهید اول، کتاب «تمهید القواعد» را به نگارش درآورد و صد قاعده ادبی و صد قاعده اصولی را با فروع فقهی مناسب گردآوری و تنظیم نمود. نکته حائز اهمیت که شهید در تمهید انجام داد تفکیک و جداسازی قواعد از یکدیگر بود.

در قرن دهم و یازدهم اخباریگری در حوزه‌های شیعی گسترش یافت. محمدامین استرآبادی درگیری فکری سختی را با تفکرات اصولی انجام داد. او و پیروانش معتقد به روی آوردن به شیوه اهل بیت (ع) در استنباط بودند و به کار گرفتن عقل در برداشت از کتاب و سنت را منع می‌کردند. آنان بر این باور بودند که اصولی‌ها قواعد ائمه اطهار (ع) را رها کرده و به قواعد خودساخته روی آورده‌اند.

اعتراض آنان به اصولیون موجب شد تا توجه اصولی‌ها به قواعد فقهی منقول از معصوم (ع) بیش‌تر جلب شود و قواعد فقهی که از اهل سنت اقتباس شده رها کنند و نگاه جدیدی به قواعد معصومین (ع) پدید آید.

با ظهور شیخ انصاری در صحنه فقاقت، قواعد فقهی به‌عنوان یک عنصر استنباطی مورد توجه فقیهان قرار گرفت، تحول در زمینه‌ی اصول فقه و برخی مسائل دیگر منجر به یک نوع نگرش عمیق به قاعده فقهی شد. در این مرحله به‌جای کشف و دسته‌بندی قواعد فقهی، تعیین حدود و قلمرو و نسبت میان قواعد فقهی با یکدیگر و تمایز قواعد فقهی از اصول و ارائه یک تعریف جامع برای قواعد بیش‌ازپیش در حوزه فقاقت شیعه مطرح شد که شامل «توجه به سابقه تاریخی قاعده»، «تعریف قاعده فقهی»، «نسبت قاعده فقهی با برخی قواعد اصولی»، «قواعد فقهی در کتاب‌های اصولی» است.

پس از شیخ پیروان او در کتاب‌های اصولی قاعده لا ضرر، اصالة الصحة، قاعده ید، قرعه، فراغ و تجاوز و... را مطرح کرده‌اند.

۲- وجوه تمایز فقه خاص و عام

۱-۳- ویژگیهای فقه خاص

برخی از وجوه تمایز فقه خاص و عام از دیدگاه مقام معظم رهبری به شرح زیر است:



الف) تعدد تألیفات در فقه خاص

«فقه ما، در ابواب گوناگون عبادات، این همه تفریع فروع و تشقیق شقوق شده، اما در باب مهمی مثل باب حکومت، بالاخره حکومت از اسلام هست یا نه؟ جامعه اسلامی می‌تواند بدون حاکم باشد؟ در این باب از طرف فقها این همه استدلال و استنباط و تفریع فروع انجام نگرفته است.» (خامنه‌ای، ۶۴/۸/۲۹)

ب) عدم طرح مسائل مرتبط با اداره کشور

«در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشور است، مثل مسئله حکومت، مسئله حسبه و چیزهایی که ارتباط پیدا می‌کند به کارهای جمعی و داشتن قدرت سیاسی، چند قرن است که جای این‌ها خالی است. بعضی‌ها از اوایل هم در کتب فقهی شیعه، مورد تعرض قرار نگرفته است.» (خامنه‌ای، ۷۶/۳/۱۴)

ج) توجه به فقه فردی و عدم توجه به فهم نظام اجتماعی اسلام

«بنابراین فقه ما در طول سال‌های متمادی بیشتر متوجه بوده به فهم اسلام به‌عنوان عمل یک فرد... نه فهم اسلام به‌عنوان یک نظام اجتماعی.» (خامنه‌ای، ۶۴/۹/۱۳)

د) عدم نگرش به فقه برای حکومت

«ما در طول زمان، به فقه به‌عنوان قالبی برای حکومت نگاه نکردیم.» (خامنه‌ای، ۷۰/۱۱/۳۰)

۲-۳- ویژگیهای فقه عام

براین اساس می‌توان مشخصه‌های فقه عام را از دیدگاه مقام معظم رهبری چنین تصور کرد:

الف) ریشه‌کنی تفکر جدایی دین از سیاست در حوزه فقه

«ما بایستی این فکر (تفکر جدایی دین از سیاست) را در حوزه ریشه‌کن کنیم، به این شکل که هم فقاقت را این‌طور قرار بدهیم و هم در عمل این‌گونه باشیم؛ یعنی چه؟ یعنی استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد، نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد.» (خامنه‌ای، ۷۰/۶/۳۱)

ب) استنباط حکم فقهی افراد در راستای چگونگی اداره جامعه

«احکام فقهی را دو جور می‌شود مورد مطالعه قرار داد: یک‌جور احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای این‌که این فرد در کجای عالم زندگی می‌کند، به‌عنوان یک فرد. یک‌وقت همین حکم فقهی را به‌عنوان یک بخشی، یا کوچک یا بزرگ، از چگونگی اداره یک جامعه، انسان بررسی می‌کند. این‌ها باهم متفاوت است. حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید.» (خامنه‌ای، ۷۶/۲/۱۳)

«در تنقیح و تحقیق فقه... کنونی، روزگاری که این فقه بخواهد نظام جامعه را اداره بکند پیش‌بینی نشده ... شما باید یک‌بار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقه استنباط کنید برای حکومت کردن.» (خامنه‌ای، ۶۴/۶/۱۱)

ج) نگرش به فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای نظام اجتماعی

«ما در طول زمان، به فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای حکومت نگاه نکردیم... امروز فقه، شکلی برای حکومت و شکلی برای نظام اجتماعی منها الحکومه است. حکومت جزئی از یک نظام اجتماعی است.» (خامنه‌ای، ۷۰/۱۱/۳۰)

د) نگاه کلان به مسائل جامعه و شئون حکومت



«ما وقتی در باب مسائل مالی اسلام بحث می‌کنیم، باید این را مورد نظر قرار بدهیم که نظام اسلامی، مجتمعی که از مجموعه مسلمان‌ها تشکیل شده است، این امور مالی‌اش چگونه باید بگذرد. اگر در باب خمس ... زکات هم ... به این لحاظ بحث کنیم که این نظام اسلامی از هرکسی چقدر و از چه چیزی و برای چه مصرفی باید بگیرد؟» (خامنه‌ای، ۶۶/۱/۶)

«فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است، فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً، فقه الله الاکبر این است.» (خامنه‌ای، ۷۰/۱۱/۳۰)

چنین استنباطی عمیق از فقه با چه روشی می‌تواند به سرانجام رسد؟ به‌منظور تبیین این مهم تشریح قواعد و روش اجتهاد برای ورود به بعد نظامی فقه ... الاکبر ضروری به نظر می‌رسد.

«فقاہت را به همان معنا ... که امام برای ما معنا می‌کردند ... معنا می‌کنیم، یعنی ترکیبی از متد علمی و دقیق فقاہتی و به تعبیر امام فقه جواهری ... به معنای دقت و اتفاق کامل در قواعد فقهی و استنتاج منظم فروع از همان قواعدی است که در فقه و اصول مشخص شده است. این فقاہت دو رکن دارد که رکن اول آن، اصول معتدل و قوی و آگاه به همه جوانب استنباط است و رکن دوم تطور فقه می‌باشد و همان چیزی است که امام در معنای اجتهاد و مجتهد و فقیه می‌فرمودند و تأکید داشتند که مجتهد و فقیه باید با دید باز بتواند استفهام‌ها و سؤال‌های زمانه را بشناسد.» (خامنه‌ای، ۶۸/۳/۲۲)

۳ قواعد فقهی

«قاعده» در لغت به معنای اساس است. قرآن کریم می‌فرماید: **وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** (بقره ۱۲۷) و آن هنگامی که ابراهیم و اسماعیل بنیان‌های خانه [خدا] را برمی‌افراشتند [گفتند] پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانا هستی.

طریحی در «مجمع البحرین» می‌نویسد: القواعد جمع القاعده و هی الاساس لما فوقه [۷، ۳].

قواعد جمع قاعده به معنای بنیان و پایه برای چیزی است که در بالای آن قرار دارد.

قاعده علاوه بر به‌کارگیری در امور مادی مانند بنیان‌های ساختمان، در برخی امور معنوی نیز مانند قواعد اخلاقی، قواعد فقهی و قواعد علمی. که جنبه اساسی و زیربنایی دارد استعمال شده است؛ به‌طور کلی به مسائل بنیادی هر علمی که حکم بسیاری از مسائل دیگر به آن‌ها توقف دارد، قواعد آن علم گویند.

پاره‌ای از تعریف‌های ارائه‌شده پیرامون قاعده فقهی به شرح زیر است:

- «القاعده بحسب الاصطلاح الفقهی عباره عن الأصل الکلی الذی ثبت من أدلته الشرعیة و ینطبق بنفسه علی مصادیقہ انطباق الکلی الطبیعی علی مصادیقہ. قاعده در اصطلاح فقهی، عبارت است از اصل کلی که از دلایل‌های شرعی به‌دست آمده (توسط دلایل‌های شرعی ثابت شده) و بر موارد خود، منطبق می‌شود.» [۷]
- «إنّ القواعد الفقهیه هی أحكام عامه فقهیه تجری فی أبواب مختلفه». قواعد فقهی، عبارت‌اند از دستورهای کلی فقهی که در باب‌های گوناگون راه دارند [۸].
- «ان القاعده الفقهیه قاعده تشتمل علی حکم شرعی عام یستفاد من تطبیقها الحصول علی أحكام شرعیه جزئیه هی مصادیق لذلك الحكم العام». قاعده فقهی، قاعده‌ای است که حکم شرعی عامی را در بر می‌گیرد که از تطبیق آن، احکام شرعی جزئی که مصادیق آن حکم عام هستند، حاصل می‌شود [۹].
- «فانها بنفسها حکم کلی شرعی ینطبق علی مصادیقہ التی هی أحكام جزئیه شرعی» قواعد فقهی به خودی خود احکام شرعی کلی هستند که بر مصادیقشان، که احکام جزئی شرعی هستند منطبق می‌شوند [۱۰].



- «القواعد الفقهیه احکام شرعیه تقع فی طریق تشخیص وظیفه مکلف فی مقام العمل بنحو التطبيق»؛ قواعد فقهی، احکامی شرعی هستند که در صورت تطبیق قاعده بر مورد، در طریق تشخیص وظیفه مکلف در مقام عمل واقع می‌شوند [۱۱].
- «امر کلی عام فقهی ینطبق علی فروع و جزئیات کثیره»؛ امر کلی و فراگیر فقهی که بر شاخه‌ها و جزئیات زیادی منطبق می‌شود [۱۲].
- «القاعده فی اصطلاح الفقهاء: قضیه کلیه یتعرف منها احکام الجزئیات المندرجه تحت موضوعها»؛ قاعده در اصطلاح فقهاء قضیه کلیه‌ای است که توسط آن، احکام جزئیات زیرمجموعه موضوعش، شناخته می‌شود [۱۲].
- «القواعد الفقهیه اصول فقهیه کلیه فی نصوص موجزه دستوریه، تتضمن احکاما تشریحیه عامه فی الحوادث الّتی تدخل تحت موضوعها»؛ قواعد فقهی، اصولی است فقهی و کلی، با عبارتهایی کوتاه و به شکل قانون، که شامل احکام تشریحی فراگیری، در حوادث زیرمجموعه موضوعش می‌شود [۱۳].

این تعریف‌ها با همه تفاوت‌ها، دارای وجود مشترکی به شرح زیر هستند:

- کلیت: موضوع قواعد به نحوی فراگیر است که جمیع افراد و مصادیق زیرمجموعه آن را شامل می‌شود؛ مگر آن مواردی که به دلیل خاص خارج شده‌اند. تفاوت بنیادی قاعده فقهی با مسئله فقهی نیز در همین جاست، چراکه موضوع قاعده فقهی عام و کلی، اما موضوع مسئله فقهی خاص و جزئی است.
- شرعیت: قاعده فقهی در واقع خود یک حکم شرعی است، لکن یک حکم شرعی، که موضوع آن جزئی و مشخص نیست. یکی از تفاوت‌های قاعده فقهی با قاعده اصولی، همین است که موضوع قاعده فقهی، حتماً حکمی شرعی است، اما لازم نیست موضوع قاعده اصولی حکم شرعی باشد.
- انطباق بر جزئیات: قاعده فقهی قابل تطبیق بر مسائل فقهیه مندرج تحت موضوع خود است؛ یعنی قاعده مذکور بر تمامی مسائلی که زیرمجموعه آن موضوع قرار می‌گیرند، منطبق می‌شود. البته ممکن است که این مسائل در ابواب مختلف فقه باشند و برخی از آنها موضوعات فراوان و برخی دیگر موضوعاتشان کمتر باشد؛ مثلاً قاعده «اصالت الصحه در فعل غیر» [۱۴]، شامل تمامی ابواب معاملات می‌شود و قاعده «فراغ» [۱۵] شامل اکثر عبادات است؛ در حالی که برخی از قواعد فقهی، فقط مخصوص یک باب است، مانند قاعده «لاتعاد» [۱۶] که فقط در خصوص نماز وارد شده است. غیر از قابلیت انطباق، از دیگر خصوصیات قاعده فقهی که از تفاوت‌های آن با قاعده اصولی محسوب می‌شود این است که خود مکلف هم می‌تواند قاعده فقهی را بر مصادیق آن تطبیق دهند، اما این تنها مجتهد است که صلاحیت دارد، قاعده اصولی را بر مواردش تطبیق دهد.

بنابراین قاعده فقهی، حکم شرعی کلی است که قابل انطباق بر موارد موضوع آن حکم است و گاهی منحصر به یک باب از ابواب فقهی نیست و عموم مکلفین می‌توانند در یک یا چند باب مختلف از فقه، در مقام عمل از آن، بهره‌مند شوند.

۱ انواع قواعد فقهی

تقسیم‌بندی قواعد فقهی از جنبه‌های گوناگون به شرح زیر است:

- از نظر قلمرو جریان و شمول:
 - قواعد جاری در یک باب، مثل «قاعده امکان»
 - قواعد جاری در چند باب، مثل «قاعده ما یضمن»
 - قواعد جاری در همه ابواب، مثل «قاعده اشتراک»
- از نظر پایه و اساس:

- قواعدی که همه قواعد به آن‌ها برمی‌گردد
- سایر قواعد، مثل «اصاله الصحه»

• از نظر جریان در حکم یا موضوع:

- قواعد مختص به شبهات موضوعی مثل «قاعده فراغ»
- قواعد مختص به شبهات حکمی مثل «قاعده لا ضرر»

• از نظر بیان حکم اولی و ثانوی:

- قواعدی که حکم اولی را بیان می‌کند مثل «قاعده سوق»
- قواعدی که حکم ثانوی را افاده می‌کند مثل «قاعده لاجرح»

قواعد فقهی به سه دسته «قواعد منصوص»، «استفاد از مضمون روایات» و «اصطیادی» نیز تقسیم می‌شود منظور از اصطیادی، قاعده‌ای که روایت خاصی ندارد ولی فقها آن را قبول دارند نظیر قاعده «لا عتق الا فی الملک» و یا «الغاصب یوخذ باشق الحوال و ثمره» [۱۷] فرق قاعده منصوص با اصطیادی این است که قاعده اصطیادی اطلاق ندارد و تمسک به اطلاقش صحیح نیست ولی قاعده منصوص می‌توان به اطلاقش تمسک کرد.

۲-۴- منابع قواعد فقهی

شناخت منابع به کشف قواعد نوین و شیوه به دست آمدن قواعد متداول کمک می‌کند. برای شناخت منابع، توجه به ماهیت آن و تفاوتش با مسئله فقهی ضروری است. اساساً قاعده فقهی دارای دو عنصر است که در یکی با مسئله فقهی مشترک و در دیگری با آن متفاوت است: در قواعد فقهی با موضوعی روبه‌رو هستیم که نیازمند به حکم مناسب است و از کلیت و شمول برخوردار است، اما در مسئله فقهی، موضوعی جزئی وجود دارد که حکم خاص خود را جست‌وجو می‌کند. از جهت عنصر اول، منابع قاعده فقهی با مسئله فقهی تفاوتی ندارد و به‌طور کلی منابع آن کتاب، سنت، اجماع و عقل محسوب می‌شود. اما از نقطه نظر دوم که از مختصات و ویژگی‌های قاعده فقهی است، منابع قواعد فقهی تا حدودی از مسئله فقهی متفاوت می‌شود؛ به دیگر سخن، افزون بر رجوع به منابع مذکور نیاز به مکانیزم و شیوه ویژه‌ای برای درک و کشف قاعده فقهی وجود دارد [۱۳]. فقهای شیعه قواعد فقهی را از منابع مختلفی استخراج و به دست می‌آورند که برخی از این منابع عبارت‌اند از:

- نص: مانند قاعده ائتمان که از روایت «لیس علی المؤمن ضمان؛ بر شخص امین خسارتی نیست.» [۷] استفاده شده است.
- تعلیل: مانند قاعده حجیت بازار مسلمانان که از تعلیل روایت «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق» [۱۶] اگر این [حجیت‌ید] نباشد بازاری برای مسلمانان نخواهد بود. به دست آمده است.
- چند قاعده فقهی: گاهی هم قاعده فقهی از چند قاعده دیگر استخراج می‌شود، مانند قاعده «ما یضمن» [۱۳] که از قاعده اقدام و قاعده ضمان ید به دست می‌آید.
- استقرار: تحصیل قاعده به روش استقرا به دو صورت امکان‌پذیر است:

استقرای در فروع: هم چنان‌که برخی استقرای نواقل اختیاری لازم، مثل بیع را، دلیل اقتضای اعتبار لفظ در اجاره قرار داده‌اند [۱۶]



استقرای در نصوص: هم چنان که برخی با استقرای در نصوص قاعده کلی، کلی بودن تقیه را به دست آورده‌اند که در نتیجه - اگر تقیه را قاعده‌ای کلی بدانیم - در هر مورد نیاز به نص خاص نبوده و هر عبادتی را می‌توان بر وجه تقیه انجام داد [۱۶]

- سیره عقلائیه: در مواردی نیز سیره عقلائیه مبنای قاعده‌ای فقهی است، مانند قاعده «اذن به شیء اذن به لوازم آن است» [۷].
- سیره متشرعه: همچنان که مبنای قاعده «احترام مال مسلم» سیره متشرعه می‌باشد [۷]
- اطلاق ادله: برخی از قواعد نیز از اطلاق ادله به دست آمده‌اند، مانند: کل عضو یقتص منه مع وجوده، تؤخذ الدیه مع فقهه؛ هر عضوی که هنگام وجودش مورد قصاص قرار می‌گیرد، موقع فقدانش دیه گرفته می‌شود [۱۳].
- عموم ادله: مانند قاعده لزوم در معاملات که از عموم آیه شریفه «اوفوا بالعقود» (مائده ۱) استفاده شده است.
- تنقیح مناط قطعی: گاهی نیز تنقیح مناط قطعی ملاک قاعده است، مانند قاعده «نفی سیل» [۱۳].
- ارتکان متشرعه: همانند قاعده «اشتراک احکام» که از ارتکان متشرعه به دست آمده است.

۴ جمع بندی کاربرد قواعد فقهی در حوزه برنامه ریزی و مدیریت راهبردی

در فقه اداری، علاوه بر مصادیق قواعد مرسوم و معمول موجود در کتاب‌های قواعد فقهیه، قواعد خاص برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی، نیز قابل‌شناسایی و پردازش هستند که ما در این تحقیق به احصاء مصادیق قواعد فقهی ذیل فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی پرداخته‌ایم و از اندیشمندان صاحب صلاحیت انتظار داریم با حسن ظن خویش نتیجه این مطالعات را مورد بررسی دقیق قرار داده و در صورتی که مغایرتی با آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) داشته باشند، ما را راهنمایی نموده تا مبادا غفلت و عدم فهم صحیح ما به حساب بدعت در دین گذاشته شود. (والعاقبه للمتقین) ناگفته پیداست که کاربرد قواعد فقهی در برنامه‌ریزی و مدیریت محدود به نه قاعده بررسی شده در جدول ۱ نیست و مستلزم تتبع بیشتر برای ارائه سایر قواعد و کاربردهای مدیریتی آن‌ها توسط اندیشمندان صاحب نظر می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای
- [۱] حاج سیدجوادی، احمد؛ دایره المعارف تشیع، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، ۱۳۹۶.
- [۲] شهابی خراسانی، محمود؛ ادوار فقه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵ ه ش.
- [۳] طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، ۱۰۷۹ ه ق.
- [۴] بجنوردی، حسن؛ القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷.
- [۵] مجلسی، علامه محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه ق.
- [۶] محمد بن یعقوب، کلینی؛ الکافی، تهران: انتشارات علمی اسلامیه، ۱۳۶۲.



- [۷] مصطفوی، سید محمدکاظم؛ مائة قاعدة فقهية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ ه. ق.
- [۸] مکارم شیرازی، ناصر؛ سلسله القواعد الفقهية، قم: مدرسة الامام أميرالمؤمنين (ع)، ۱۴۱۱ ه. ق.
- [۹] الإيروانی، محمدباقر؛ دروس تمهيدية في القواعد الفقهية، قم: دارالفقه للطباعة و النشر، ۱۳۸۴ ه. ش.
- [۱۰] سيفی مازندرانی، علی اکبر؛ مبانی الفقه الفعال في القواعد الفقهية الأساسية، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۳۳ ه. ق.
- [۱۱] زارعی سبزواری، عباسعلی؛ القواعد الفقهية في فقه الاماميه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
- [۱۲] الربانی، محمدحسن؛ قاعده الدرء، قم: جماعه المدرسين قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ه. ق.
- [۱۳] مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ماخذشناسی قواعد فقهی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ه. ش.
- [۱۴] مشکینی، علی؛ اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۸ ه. ق.
- [۱۵] هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ قاعده الفراغ و التجاوز، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق.
- [۱۶] حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۷] کاظمی تستری، اسدالله؛ مقابس الانوار و نفائس الاسرار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار، مطبعه ماکنیه، ۱۳۲۲ ه. ق.



چگونگی احصای قواعد فقهی برای دستیابی به بخشی از باید و نبایدهای مدیریتی در سطح سازمان

ردیف	کلیات			برنامه ریزی راهبردی											مقدمات پیاده سازی		اجرائیات		کنترل	
	نام قاعده	متن قاعده	مضمون اجمالی قاعده	مشخصات قاعده	ارزش اساسی	چشم انداز آرمانی	چشم انداز مطلوب	رسالت	اهداف عالیه	سیاست	تحلیل محیط خارجی	ارزیابی مزیت ها	استراتژی	برنامه	سازمان دهی	مدیریت منابع انسانی	بودجه بندی و تخصیص منابع	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها		اجرا
۲	«الصحه»	حمل فعل المسلم علی الصحه.	بر صحت و درستی می باشد.	اگر فرد مسلمان مرتکب فعلی شده باشد، من حیث المجموع جامعه سالم باشد شک در مورد صحت عملکرد گذشته فرد	فعل مؤمنین را در جامعه اسلامی بر صحت حمل می نمایم.	به امید روزی که بتوان فعل مؤمن را حمل بر صحت کرد.	طراحی فرایندهای تحقق مأموریت ها به گونه ای که افراد را به عملکرد صحیح و بدون شبهه رهنمون و ترغیب نماید	اجتناب از سوءظن پیرامون عملکرد ذینفعان مسلمان، رفتار مؤمنانه با بخش های بازرسی، حراست و... جامعه اسلامی	پرهیز از سوءظن و داشتن رفتار تجسس- گرا در ارزیابی رفتار کارمندان مسلمان را در صحت به صحت حمل به صحت کرد، ضعف سازمانی داریم.	فراهم کردن شرایطی که فعل مؤمن را حمل بر صحت کرد.	برای امکان حمل به صحت نمودن فعل مؤمن مسمومیت فضای سازمانی	اطلاع رسانی برای پیشگیری از مظان اتهام، شایعه پراکنی و مسمومیت فضای سازمانی	استخدام کارکنانی که برای رفتار آن ها حمل بر صحت نشود، اولویت دارد.	فعالیت هایی که باعث سالم- ایجاد فضای اعتماد سازمانی خدمات و حمل بر صحت نمودن آن	تلاش برای ایجاد فضای اعتماد سازمانی خدمات و حمل بر صحت نمودن آن	در تخصیص بودجه به فعالیت هایی که باعث سالم- ایجاد فضای اعتماد سازمانی خدمات و حمل بر صحت نمودن آن	حسن اعتماد به ادا و عملکرد ارباب رجوع و گیرنده خدمات و حمل بر صحت نمودن آن	رعایت اصل حمل به صحت در ارزیابی عملکرد گذشته همکاران و میزان را حال فعلی افراد دانستن	رعایت اصل حمل به صحت در ارزیابی عملکرد گذشته همکاران و میزان را حال فعلی افراد دانستن	رعایت اصل حمل به صحت در ارزیابی عملکرد گذشته همکاران و میزان را حال فعلی افراد دانستن
۳	«الاحرج» یا «سهولت»	هیچ حکمی نباید موجب عسر و حرج افراد مکلف شود.	هیچ حکمی نباید موجب عسر و حرج افراد مکلف شود.	حکم اولیه اسلام	اعمال عسر و حرج در شرایط معمول ممنوع است	به امید آن روز که دوران فاقد نیاز به صدور حکم عسر و حرج دار باشد	کارکرد به گونه ای تعریف شود که فعالیت ها، فرایندها و وظایف باعث مانع عسر و حرج	ضمن تحقق اهداف، عسر و حرج ایجاد نکند	چاره جویی برای بهره گیری از مقتدرات و فرصت ها	۱. ضعف های عسر و حرج دار شناسایی و جبران شود	بهره گیری از مقتدرات و فرصت ها	تتناسب بین اقدامات و برنامه ها با مقتدرات و وظایف	تتناسب بین اقدامات و برنامه ها با مقتدرات و وظایف	عدم تناسب بین کارگزاران و مسئولیت های واگذار شده به هریک مجریان	کاهش عسر و حرج مجریان برای مصائب برای مواجهه با عسر و حرج های اولویت	آستانه تحمل مصائب برای مواجهه با عسر و حرج های غیر قابل پیش بینی و غیر قابل علاج	جاری سازی اندیشه مواجهه با عسر و حرج در تفویض اختیار و چگونگی پیشگیری از	عدم رعایت بلوغ زیردستان و عسر و حرج در نظارت ارزیابی عملکرد	در نظر گرفتن شاخص عسر و حرج در نظارت ارزیابی عملکرد	در نظر گرفتن شاخص عسر و حرج در نظارت ارزیابی عملکرد

کلیات		برنامه ریزی راهبردی											مقدمات پیاده سازی			اجرائیات		کنترل		
نام قاعده	متن قاعده	مضمون اجمالی قاعده	مشخصات قاعده	ارزش اساسی	چشم انداز آرمانی	چشم انداز مطلوب	رسالت	اهداف عالی	سیاست	تحلیل محیط خارجی	ارزیابی مزیت ها	استراتژی	برنامه	سازمان دهی	مدیریت منابع انسانی	بودجه بندی و تخصیص منابع	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	اجرا	هدایت و رهبری	نظارت و ارزیابی و کنترل
							برای ذی نفعان			رقبای داخلی نشود	نظر گرفته نشود	نباشد	است	عس و حرج است	و منابع است		ایجاد آن	مشقت آنان خواهد شد		
۴ لزوم در عقود	رعایت عهد و اوفوا بالعقود اصل رعایت عهد و امانت	رعایت عهد و پیمان بین اعضای جامعه با هر دین و مذهب الزامی است.	دارای ماهیت اجتماعی، اخلاقی و سیاسی	پس از انعقاد قرارداد یا قبول تعهد باید عرصه های اجرا تقض عهد جایز نیست	مخاوران تحقق تعهدات طرفینی با هریک از ذوالحقوق نارضایتی ذوی- الحقوق از عدم اجرا تعهدات و قراردادها در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هستیم	در آفق برنامه ما خواران حداقل شکایات و نارضایتی ذوی- الحقوق از عدم اجرا تعهدات و قراردادها در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هستیم	تحقق عهد و پیمان با خدای خود، مردم و جامعه مأموریت ما است.	اجرا داشته باشد و شکایات ناشی از عدم تعهدات به حداقل شکایات برسد.	اهداف سازمان نوشته شده که تمامی تعهدات امکان اجرا داشته باشد و شکایات ناشی از عدم تعهدات امکان اجرای همه تعهدات به وجود آید.	در ارزیابی تهدیدات به امکان پذیری رعایت تعهدات با هریک از اجزای شبکه تأمین تا توزیع موضوع فعالیت سازمان قرار گیرد.	در شناسایی و ارزیابی قوتها و توجه به پیش بینی ذخیره احتیاطی منابع سازمان و امکان بهره گیری از سیاست برون- سپاری و تعهدات مرتبط با آن صورت گیرد.	انتخاب استراتژی ها و ایجاد تعهدات برنامه ها و تقدم و تاخر فعالیت ها	سازماندهی نیروها و امکانات پاسخگویی تعهدات و قراردادها باشد.	در استخدام همکاران، افرادی جذب شوند که امانت دار و پای- بند به عقود باشند.	بودجه بندی سازمان متناسب با مقدرات منهای ذخیره ماست.	پابندی به تعهدات و کسب رضایت ذوی الحقوق سرلوحه مرام است.	رعایت حقوق تعهدات و اجرای قراردادها در تقدم وظایف مدیران است.	انگیزش برای میزان اجرای تعهدات سازمان، یک شاخص برای ارزیابی حسن اجرا است.		



چگونگی احصای قواعد فقهی برای دستیابی به بخشی از باید و نبایدهای مدیریتی در سطح سازمان

ردیف	کلیات			برنامه ریزی راهبردی												مقدمات پیاده سازی		اجرائیات		کنترل	
	نام قاعده	متن قاعده	مضمون اجمالی قاعده	مشخصات قاعده	ارزش اساسی	چشم انداز آرمانی	چشم انداز مطلوب	رسالت	اهداف عالیه	سیاست	تحلیل محیط خارجی	ارزیابی مزیت ها	استراتژی	برنامه	سازمان دهی	مدیریت منابع انسانی	بودجه بندی و تخصیص منابع	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	اجرا		هدایت و رهبری
۵	قاعده عدالت	العدل هو وضع کل شیء فی موضعه	عدالت قرار دادن هر چیز در جای خود است	عدالت یکی از ارزش های بنیادین اسلام است	باشد	به امید آن روز که عدالت در سطح جهانی، موزین عدل باشد	رسالت دولت برای فعالیت های حقیقی و ترجیحاً حق باشد مثلاً در امور واجب برای زخارف دنیای نباشد	بر آورد اهداف بر اساس معیار	در مسیر حرکت سازمان ظلم به عوامل محیط بیرونی و بر محیط داخلی صورت نگیرد	در استفاده از نقاط قوت برای بهره-گیری از فرصت ها به ضعف تلقی شود	هر چه با عدالت سازگار نباشد، ضعیف تلقی شود	مقدورات متناسب با اهداف برحق باشد و هدف تحقق عدالت است.	بهره گیری از مقادیر متناسب با اهداف برحق باشد و هدف تحقق عدالت است.	رعایت تقدم و تاخر برنامه ها در زمره مصادیق عدالت است.	شناسایی استعداد های خدادادی و ایجاد تناسب بین وظائف فردی با استعدادها	به کارگیری کارکنان معتقد (عملی) به عدالت فردی و سازمانی	تخصیص بودجه واقعی مورد نیاز و حذف چانه زنی	تثبیت عدالت به عنوان ارزش در اذهان الهی و قانون توأم با رعایت نظم	ملکه شدن عدالت فکری و رفتاری (فردی و اجتماعی) در رهبران سازمان در برقراری نظم و اجرای قوانین عدالت است.	شاخص بودن رعایت عدالت در ارزیابی عملکرد	
۶	اهم و مهم	فاسد/تقدم اصلح بر صالح/تقدم حکم ثانوی بر اولی/تقدم حق-	جایی است که بین دو حکم تراحم وجود دارد بنابر این هر گاه بین دو	قاعده اصطیادی است.	پس از شناسایی به امید آن زمان که بصیرت تصمییم گیرندگان و هوشمندی و هوشمندی در نظامات در	در افق برنامه حداقل بصیرت لازم و هوشمندی با مأموریت های اصل (اهم) است از جمله تصمییم گیری ها	در رسالت اهداف حاکمیت اسلامی در تقدم اهداف و مسئولیت های اجتماعی، تقدم	در هدف گذاری، در شرایط رشد و اعتلای فرهنگی تقدم با سیاست های ایجاد و اعتلای است. حفظ	در شرایط رشد و اعتلای فرهنگی تقدم با سیاست های ایجاد و اعتلای است. حفظ	در تحلیل محیط خارجی بحران ها مقدم بر تهدیدها/ فشارها و آسیب پذیری-	در بررسی محیط داخلی بررسی مزیت های راهبردی مقدم بر قوت ها و	در بهره گیری از مقدورات و منابع محدود اولویت با برنامه ریزی. رعایت تقدم بر اصلاح برنامه ای در صورت	در بهره گیری از مقدورات و منابع محدود اولویت با برنامه ریزی. رعایت تقدم بر اصلاح برنامه ای در صورت	اصلاح هم زمان ساختارها و برنامه ها و تقدم بر اصلاح برنامه ای در صورت	تقدم تأمین، آموزش و به کارگیری افراد متخصص بصیر در مناصب نسبت به افراد متخصص	تقدم تخصیص منابع محدود به فعالیت های اولویت دار فرهنگ سازمانی	ملکه شدن فرهنگ عقلانیت و رعایت تقدم اهم بر مهم در فرهنگ سازمانی	اولویت پیگیری امور توسط مدیران، عمل به برنامه ها هم زمان با	هم راستا نمودن اهداف فردی با اهداف مقررات و برنامه های جاری/تقدم	تقدم فرامین ولی فقیه به قوانین و مقررات و برنامه های جاری/تقدم	

کنترل	اجرائیات		مقدمات پیاده سازی				برنامه ریزی راهبردی								کلیات					
	اهدایت و رهبری	اجرا	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	بودجه بندی و تخصیص منابع	مدیریت منابع انسانی	سازمان دهی	برنامه	استراتژی	ارزیابی مزیت ها	تحلیل محیط خارجی	سیاست	اهداف عالی	رسالت	چشم انداز مطلوب	چشم انداز آرمانی	ارزش اساسی	مشخصات قاعده	مضمون اجمالی قاعده	متن قاعده	نام قاعده
نظارت و ارزیابی و کنترل	اهدایت و رهبری	اجرا	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	بودجه بندی و تخصیص منابع	مدیریت منابع انسانی	سازمان دهی	برنامه	استراتژی	ارزیابی مزیت ها	تحلیل محیط خارجی	سیاست	اهداف عالی	رسالت	چشم انداز مطلوب	چشم انداز آرمانی	ارزش اساسی	مشخصات قاعده	مضمون اجمالی قاعده	متن قاعده	نام قاعده
نظارت غیبی و خود کنترلی بر کنترل های بشری و سیستمی /	اهداف فردی	پاسخگویی به مسائل مستحدهه است.		صرف	تعارض رعایت عزت و کرامت انسانی در حین اصلاح ساختاری و تقدم عزت و کرامت انسانی به اصلاح ساختاری در صورت تعارض.	تنظیم برنامه ها و هم راستایی برنامه ها و اهداف.	نیازهای خاص ندارد، مگر آنکه بتواند آثار تهدیدها را کاهش داد.	ضعف های متعارف است.	های فوری مقدم بر چالش ها است.	سیاست ها و مصالح نظام اسلامی الزامی است. در شرایط شیوع فساد در جامعه و سازمان تقادم یا وضع سیاست های سلیبی نسبت به ایجاد است.	اهداف سازمانی بر اهداف هر یک از ذینفعان سازمان، تقدم اهداف عموم کارکنان بر هر گروه یا فرد است.	مأموریت های مندرج در اسناد بالادستی با رعایت تقدم آن ها، نه هر وظیفه ای که به عهده سازمان است.	فراهم شده و بکار گرفته شود مهم را در هر سطح و رده ای به خوبی تشخیص داده و رعایت نمایند.	حدی باشد که مصادیق اهم و مهم را در هر سطح و رده ای به خوبی تشخیص داده و رعایت نمایند.	مقدم تعیین و اجرا می شود	واجب تراحم باشد در مقام رفع تراحم در صورتی که یکی از طرفین ضعیف تر باشد.	الناس بر حق - الله/تقدم حق جامعه بر فرد/تقدم حق حکومت اسلامی بر اشخاص/تقدم دفع مفسده بر جلب منفعت (تقدم ترک محرمات بر انجام واجبات)/تقدم فرامین ولی فقیه به قوانین و مقررات جاری			



چگونگی احصای قواعد فقهی برای دستیابی به بخشی از باید و نبایدهای مدیریتی در سطح سازمان

ردیف	کلیات		برنامه ریزی راهبردی													مقدمات پیاده سازی		اجرائیات		کنترل
	نام قاعده	متن قاعده	مضمون اجمالی قاعده	مشخصات قاعده	ارزش اساسی	چشم انداز آرمانی	چشم انداز مطلوب	رسالت	اهداف عالیه	سیاست	تحلیل محیط خارجی	مزیت ها	استراتژی	برنامه	سازمان دهی	مدیریت منابع انسانی	بودجه بندی و تخصیص منابع	هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	اجرا	
۷	قاعده حفظ نظام اسلامی	قاعده عقلی است	حفظ اسلام و نظام اسلامی فریضه است	اصطیادی	حفظ اسلام و نظام متعلقه یک ارزش اولی است	به امید آن روز که به دلیل شرایط پذیرش احکام اسلامی ضرورتی بر اجرای احکام ثانوی نشود.	در رسالت- نویسی، فلسفه وجودی اصیل سازمان ها حفظ اسلام باشد و سازمان برای وضعیت تهدید از اسلام و نظام اسلامی هدف نشود باشد.	تعیین سیاست ها در گونه ای باشد که در کلیه شرایط به حاکمیت اسلام و احکام اسلامی مودت بین موحدانه و اعمال مومنه خداپرستان و پرهیز از افکار	در تحلیل مسائل محیطی، شاخص های تعیین مزیت یک جامعه	ارزیابی ضعف- ها در مواجهه با ترفند دشمن اسلام	حفظ آمادگی دفاع از کیان اسلام	فعال کردن بسیج در ادارات برای حفظ آمادگی نیروها برای مواجهه با ترفند دشمن اسلام	در به کارگیری منابع انسانی به نیروهایی که التزام عملی برای حفظ دین دارند	بخشی از منابع هر سازمان به حفظ اسلام مدیران و کارکنان باید اختصاص یابد	به هنگام اجرا، اقداماتی که موجب ضربه به اسلام و نظام متعلقه را وظیفه اصیل شخص خود بداند حذف شود	۱. سنجش میزان پای بندی مدیران به ارزش های اسلامی در عمل ارزیابی عملکرد برای تحقق واجبات الهی و پرهیز از محرمات				
۸	«تولی و تبری»	اشداء علی الکفار و رحماء بینهم	کفار و مشرکین و جب نسبت به مومنین و موحدین	تلازم مودت بین مسلمین یا تفر و بغض از کفار و معاندین	باید با دوستان خدا محبت داشت و با دشمنان خدا	به امید آن روز که امت یکدیگر متحد و در صدد رفع اختلافات خویش	حمایت از امت اسلامی و مستضعفین عالم و رسالت	تلازم مودت بین کارکنان و مردم در جامعه اسلامی و نهایت تفر و	در تحلیل مسائل محیطی، شاخص های تعیین مزیت یک جامعه	از جمله بهره گیری از فرصت های جامعه اسلامی برای مواجهه با	برنامه ریزی سازمان ها بگونه ای که برتری مسلمین بر کفار و	تقدم گزینش و جذب افراد مؤمن و موحد و نسبت به افراد	بخشی از منابع و تبری جزئی از فرهنگ سازمانی حاکم شود.	به هنگام اجرا، تصمیمات تقویت کننده اتخاذ سبک	مراقبت برای طاعت بر مسلمین و نفوذ غرب- زدگان و					

کنترل	اجرائیات		مقدمات پیاده سازی				برنامه ریزی راهبردی										کلیات			
			هم راستایی فرهنگ سازمانی و برنامه ها	بودجه بندی و تخصیص منابع	مدیریت منابع انسانی	سازمان دهی	برنامه	استراتژی	ارزیابی مزیت ها	تحلیل محیط خارجی	سیاست	اهداف عالی	رسالت	چشم انداز مطلوب	چشم انداز آرمانی	ارزش اساسی	مشخصات قاعده	مضمون اجمالی قاعده	متن قاعده	نام قاعده
نظارت و ارزیابی و کنترل	هدایت و رهبری	اجرا	دشمنان اسلام	و بخشی به مقابله با معاندین اسلام	غیر مؤمن و غیر موحد.	مسلمین و جامعه اسلامی توأم با دفع ضرر و زیان از سوی کفار و معاندین میسر گردد.	معاندین از آن حاصل شود و آمادگی دفع ضرر و برای اسلامی برای دوری از کفار و معاندین.	تهدیدات جهان کفر و نظام سلطه و اتحاد امت اسلامی برای دوری از کفار و معاندین.	اسلامی، عدم وابستگی به جامعه غیر مسلمین باشد، آلود با آن ها، باید وضعیت امت اسلامی و مستضعفین عالم با رویکرد مودت و یاری صورت گیرد.	عملکردهای دشمنان برای برخورد مناسب بغض مسلمانان، باید وضعیت امت اسلامی و مستضعفین عالم با رویکرد مودت و یاری صورت گیرد.	التقاطی، عمل منافقانه و شرک- آلود سیاست ما است.	دوری از دشمنان اسلام و مسلمین و نفوذی ها	جمهوری اسلامی است و آمادگی برای مواجهه با نظام سلطه لازمه بقای امت اسلامی است	با پیروان مذاهب اسلامی بوده و جهان اسلام (و مستضعفین عالم) برای مبارزه با ظلم و ستم علیه کفار و نظام سلطه آماده باشند.	بغض داشت.	مشخصات قاعده	مضمون اجمالی قاعده	متن قاعده	نام قاعده	
مخالفتین در مصادر امور کشور. وضعیت مسلمین در دنیا عزت مند باشد.	به عزت و سربلندی و مسلمانان و جامعه اسلامی	و تضعیف کننده شیعیان و مسلمانان نباشد.	دشمنان اسلام	و بخشی به مقابله با معاندین اسلام	غیر مؤمن و غیر موحد.	مسلمین و جامعه اسلامی توأم با دفع ضرر و زیان از سوی کفار و معاندین میسر گردد.	معاندین از آن حاصل شود و آمادگی دفع ضرر و برای اسلامی برای دوری از کفار و معاندین.	تهدیدات جهان کفر و نظام سلطه و اتحاد امت اسلامی برای دوری از کفار و معاندین.	اسلامی، عدم وابستگی به جامعه غیر مسلمین باشد، آلود با آن ها، باید وضعیت امت اسلامی و مستضعفین عالم با رویکرد مودت و یاری صورت گیرد.	عملکردهای دشمنان برای برخورد مناسب بغض مسلمانان، باید وضعیت امت اسلامی و مستضعفین عالم با رویکرد مودت و یاری صورت گیرد.	التقاطی، عمل منافقانه و شرک- آلود سیاست ما است.	دوری از دشمنان اسلام و مسلمین و نفوذی ها	جمهوری اسلامی است و آمادگی برای مواجهه با نظام سلطه لازمه بقای امت اسلامی است	با پیروان مذاهب اسلامی بوده و جهان اسلام (و مستضعفین عالم) برای مبارزه با ظلم و ستم علیه کفار و نظام سلطه آماده باشند.	بغض داشت.	مشخصات قاعده	مضمون اجمالی قاعده	متن قاعده	نام قاعده	